

به روز شده: 15:41 گرینویچ - چهارشنبه 19 ژانویه 2011 - 29 دی 1389

این صفحه را برای دیگران بفرستید | چاپ مطلب

فرهنگ ایران

نگاهی به رمان عقرب به بهانه انتشار ترجمه فرانسوی آن

حسین نوش‌آذر

منتقد ادبی

ویدیو: میزگرد جنگ و ادبیات
داستانی

مدت: 50:39

گفت‌وگو با حسین مرتضاییان آبکنار

'زمزمه‌های رنگی' و انتظارات
ناشران از وزارت ارشادوزارت ارشاد و امضاهایی که زیرش
می زند

سایه ممیزی بر سر کتاب سال

جایزه‌های ادبی؛ نقد به قصد ارتقا،
حمله به قصد حذفداستان انقلاب به روایت
غلامحسین ساعدیپایان دوران معاونت دکتری که ممیز
کتاب بود

اخبار مرتبط

"ممیزی جایزه گلشیری را به محاق کشاند"

نمایشگاه کتاب تهران زیر نگاه دوربین‌های مداربسته
آغاز شدادامه جمع آوری کتابهای بعضی از نویسندگان از
نمایشگاه کتاب تهران

مطالب پرخواننده کنونی

ده چهره سینمایی سال ۲۰۱۳
آلبوم عکس: بهترین محصولات الکترونیک ۲۰۱۳
روحانی خواهان شناسایی موارد 'سوءاستفاده از
شرایط تحریم' ...
ادامه حملات به معترضان ۸؛ موسوی و کروبی
'مفسد فی الارض' ...
عکس‌های سه در چهار؛ درباره حمله خمپاره‌ای
به اردوگاه مجا...

"عقرب" (Le Scorpion) توسط لوسی مارتین به
فرانسوی ترجمه شده است

"عقرب روی پله‌های راه آهن اندیمشک" نوشته حسین مرتضاییان آبکنار رماتی است که نخستین بار در سال ۱۳۸۵ توسط نشر نی در ۸۵ صفحه منتشر شد. این رمان پس از آن‌که مهم‌ترین جوایز ادبی در سال ۱۳۸۶ را از آن خود کرد و در مدت کوتاهی در مقایسه با رمان‌های دیگر خوانندگان زیادی هم به دست آورد، ناگهان چاپ سومش که آماده پخش بود، توقیف شد و وزارت ارشاد مجوزش را لغو کرد.

به‌نازگی این رمان زیر عنوان "عقرب" (Le Scorpion) توسط لوسی مارتین ترجمه شده و انتشارات لُور (L'oeuvre) آن را در فرانسه منتشر کرده است.

رویدادهایی که در رمان "عقرب" از دریچه چشم سرباز وظیفه‌ای به نام "مرتضی هدایتی" روایت می‌شود، به هزیمت ارتش ایران در سال ۱۳۴۷ و به عملیات نظامی در فاو و جزیره مجنون و بمباران شیمیایی مواضع و سنگرهای نظامیان ایران در سومار، دهلران، کرخه، چنانه، فکه و بستان توسط نیروهای نظامی عراق اشاره دارد.

این نبرد که یکی از نبردهای خونین جنگ هشت ساله به‌شمار می‌آید، شکست نیروهای نظامی ایران در جبهه‌های جنوبی کشور را در پی داشت و سرانجام زمینه‌ساز پذیرش قطع‌نامه آتش‌بس شد.

حسین مرتضاییان آبکنار که در آن سال‌ها به‌عنوان سرباز وظیفه از نزدیک این رویدادها را تجربه کرده است، در دیباچه کتاب به سندیت تاریخی رمانش اشاره می‌کند و می‌نویسد: "تمام صحنه‌های این رمان واقعی است."

یک عکس فوری و اغراق‌آمیز از هزیمت ارتش

جنگ ایران و عراق را در اغلب مواقع با جنگ جهانی اول مقایسه می‌کنند. بیشتر آثار تبلیغی با سوبیه‌های حماسی که زیر عنوان "ادبیات دفاع مقدس" انتشار یافته و تک و توک رمان‌های ضد جنگ مانند "زمستان 62" نوشته اسماعیل فصیح و "دل دلدادگی" نوشته شهریار مندنی‌پور، در واقع رمان‌هایی واقع‌گرا هستند از نوع رمان مشهور "در جبهه غرب خبری نیست" از اریش ماریا رمارک که از آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رمان‌های واقع‌گرا و ضد جنگ در جهان یاد می‌کنند.



"عقرب" در این میان اما نه از شکوه تراژیک "دل دلدادگی" نشانی دارد و نه از تلاش حماسی قهرمانان "زمستان 62". "عقرب" راه سومی را برمی‌گزیند که سوزان سونتاک، نظریه‌پرداز و منتقد برجسته آمریکایی در جستار "هنر و ضد هنر" آن را "ادبیات کمپ" (Camp) می‌نامد.

"عقرب" از هر نظر در تعریفی که سوزان سونتاک از "ادبیات کمپ" به‌دست می‌دهد، جای می‌گیرد: بیش از هر چیز در این کتاب، فرم بر محتوای داستان غلبه دارد؛ پاره‌ای از صحنه‌هایی که نویسنده وصف می‌کند، مانند فصل یازدهم که یکسر بر اساس گفت‌وگوی میان دو سرباز

و با تأکید بر بازآفرینی لهجه‌های آنها شکل می‌گیرد، با هنر "کیچ" پهلو می‌زند؛ بسیاری از وصف‌هایی که نویسندگان از موقعیت آدم‌های داستان و حال و روز آنها ارائه می‌کنند، اغراق‌آمیز است و همچنین با وجود آن‌که موضوع رمان جنگ و مصیبت انسان‌ها و ویرانی شهرهاست، اما از جدیت رمان‌های تراژدی و حماسی در این اثر هیچ نشانی نیست.

در همان حال "عقرب" از طنز و مطایبه و کنایه‌هایی که در آثار نویسندگان نومیذ مانند بهرام صادقی سراغ داریم هم چندان بهره‌ای نبرده است. در یک کلام "عقرب" مانند بسیاری از داستان‌های کمیک استریپ نوعی "پارودی" است که واقعیت جنگ و نابودی انسان‌ها را مثل یک عکس فوری، اما به شکل کاملاً اغراق‌آمیز نشان می‌دهد.

یک نمایش دردناک بر روی صحنه‌ای خونین

در "عقرب" بیش از آن‌که نویسنده به پیش‌زمینه خانوادگی و اجتماعی شخصیت‌ها توجه داشته باشد، به کنش‌های اغراق‌آمیز و گاه حتی مسخره آنها در یک موقعیت دشوار مانند عقب‌نشینی از میدان نبرد در اثر حمله شیمایی می‌پردازد.



عقرب نخستین بار در سال ۱۳۸۵ توسط نشر نی در ۸۵ صفحه منتشر شد

در "عقرب" صحنه از مفهوم و فیگور از انسان مهم‌تر است. شخصیت انسان‌ها و پیشینه‌شان مهم نیست، بلکه حرکت آنها روی یک صحنه خونین است که اهمیت دارد. همه چیز به یک بازی یا به یک نمایش دردناک از نابودی شباهت دارد. مثل این است که نویسنده می‌خواهد به ما بگوید حتی جنگ و نابودی هم نوعی شوخی رندانه زندگی با ماست.

در "عقرب" شیوه نگارش بر محتوا، و شوخی و صحنه آرایبی و بازی بر تراژدی غلبه می‌کند و به این ترتیب آبکنار نه تنها یک رمان ضد جنگ می‌نویسد، بلکه با نوآوری در فرم داستان در قالب رمانی که بیشتر به یک کمیک استریپ شباهت دارد، همه تلاش اسلامی‌نویسان در تراژیک و حماسی جلوه دادن جنگ را به بازی می‌گیرد. بی‌جهت نیست که پس از نقدهایی که در مطبوعات بر این رمان نوشته شد، چاپ سوم آن را ممنوع اعلام کردند.

تولد دوباره "عقرب" این‌بار در فرانسه

"عقرب" نخستین رمان توقیف‌شده‌ای نیست که در طی دو سال گذشته در اروپا یا در آمریکای شمالی تجدید چاپ می‌شود یا برای نخستین بار به زبان دیگری انتشار می‌یابد.

"زوال کلنل" نوشته محمود دولت‌آبادی و "تهران، خیابان انقلاب" نوشته امیر حسن چهل‌تن و همچنین "مرگ دیگر کارولا" نوشته محمود فلکی نخستین بار در آلمان منتشر شدند. "سانسور یک داستان عاشقانه ایرانی" از شهریار مندنی پور در آمریکا منتشر شد و به چندین چاپ رسید و بازتاب گسترده‌ای در مطبوعات فرهنگی جهان پیدا کرد.

اکنون نوبت "عقرب" است که به زبان فرانسه تولدی دیگر بیابد. آیا ادبیات داستانی ایران به همان راهی وارد می‌شود که سینمای جشنواره‌ای در بیست سال گذشته طی کرد؟ آیا سخنگیری در دادن مجوز به کتاب‌ها و لغو مجوزها به هر بهانه‌ای زمینه‌ساز جهانی شدن ادبیات ایران می‌شود یا این‌که این‌گونه تلاش‌ها در حد تلاش‌های فردی باقی می‌ماند.

این صفحه را برای دیگران بفرستید چاپ مطلب

درباره این سایت ها

ارسال به شبکه های اجتماعی

Facebook

Balatarin

Donbaleh

Delicious

1 2 3 4 5 6

گزیده ها



حال مریض ما چطور



مردی با کلاه گاندی؛
نماد مبارزه با فساد در



آمار بالای بی سابقه
دانشجویان چینی در



فریدام هائوس: دولت
ایران با آزادی اینترنتی